

تأملی در باب تمایز اخلاق و تربیت اخلاقی از منظر آیت الله مصباح یزدی

Abstract

Some scholars have attempted to draw a distinction between “moral science” (‘ilm al-akhlāq) and “moral education” (tarbiyat-i akhlāqī) by appealing to the views of Ayatollah Misbah Yazdi, introducing concepts such as the “moral threshold” and the “educational threshold.” The present article adopts a critical approach to examine and evaluate these interpretations in order to determine the extent to which they align with the theoretical and ethical foundations articulated by Ayatollah Misbah. These scholars also analyze the value of moral and educational acts in his thought, arguing that certain virtuous deeds of non-Muslims, such as generosity, possess preliminary educational value, while remaining devoid of ultimate moral worth. The critiques addressed in this study include ambiguities in the precise differentiation between “moral science” and “moral education,” as well as the lack of sufficient textual evidence from Ayatollah Misbah’s works to substantiate this distinction. Moreover, it appears that attributing certain arguments and examples—such as the analysis of ethical statements or the evaluation of the value of non-believers’ actions—to Ayatollah Misbah requires a more rigorous and comprehensive investigation of his ethical principles. Accordingly, this article aims to provide a more accurate analysis of Ayatollah Misbah’s perspective on Islamic ethics and moral education, critically assesses the theories proposed in this field, and offers recommendations for revising and strengthening the underlying arguments.

چکیده

برخی از پژوهشگران کوشیده‌اند با استناد به دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح یزدی، میان «علم اخلاق» و «علم تربیت اخلاقی» تفکیک قائل شوند و برای این منظور مفاهیمی همچون «حد نصاب اخلاقی» و «حد نصاب تربیت اخلاقی» را به کار گرفته‌اند. مقاله حاضر با رویکردی انتقادی، به بررسی و ارزیابی این برداشت‌ها می‌پردازد تا میزان انطباق آنها با مبانی نظری و اخلاقی آیت‌الله مصباح روشن شود. این پژوهشگران همچنین به تحلیل ارزش‌های اخلاقی و تربیتی در نظر آیت‌الله مصباح پرداخته و نشان داده‌اند که برخی از اعمال نیک غیرمسلمانان، مانند سخاوت، از نظر تربیتی دارای ارزش مقدماتی هستند، اما از منظر

اخلاقی مطلق فاقد ارزش نهایی می‌باشند. نقدهای وارده بر آثار شامل ابهام در تفکیک دقیق میان «علم اخلاق» و «علم تربیت اخلاقی» و عدم ارائه شواهد مستند و کافی برای اثبات این تفکیک از آثار آیت‌الله مصباح است. همچنین، به نظر می‌رسد انتساب برخی استدلال‌ها و شواهد، مانند تحلیل جملات اخلاقی و ارزش اعمال کفار به آیت‌الله مصباح یزدی نیازمند تحلیل عمیق‌تر و دقیق‌تر مبانی اخلاقی ایشان است، این مقاله با هدف ارائه تحلیل دقیق‌تری از دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح در زمینه اخلاق اسلامی و تربیت اخلاقی، به نقد و ارزیابی نظریه‌های مطرح‌شده پرداخته و پیشنهادهایی برای بازنگری و تکمیل استدلال‌ها ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: آیت‌الله مصباح یزدی، تمایز تربیت اخلاقی و اخلاق، ارزش‌های اخلاقی و تربیتی، حدنصاب اخلاقی.

مقدمه

در حوزه اخلاق اسلامی، تمایز میان «اخلاق» و «تربیت اخلاقی» از جمله موضوعاتی است که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. اهمیت این تمایز تنها از منظر نظری نیست، بلکه نقش مهمی در مباحث تربیتی و کاربرد اخلاق در زندگی روزمره دارد. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند که شناخت دقیق مرزهای این دو حوزه می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزش اخلاق و طراحی برنامه‌های تربیتی مؤثر کمک کند. از این رو، بررسی و تحلیل دقیق این تفاوت‌ها، ضمن گسترش فهم نظری، می‌تواند راهنمای عمل برای پژوهشگران و مربیان اخلاقی باشد. در این راستا، برخی محققان با تمرکز بر تحلیل دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح یزدی، تلاش کرده‌اند تفکیک این دو مفهوم را «استفاده از مفاهیمی مانند «حد نصاب اخلاقی» و «حد نصاب تربیت اخلاقی» تبیین کنند. این پژوهش‌ها با بهره‌گیری از مبانی فلسفه اخلاق، معیارهای ارزش اخلاقی و تربیتی را از یکدیگر متمایز ساخته و بر نقش نیت و هدف در سنجش ارزش اعمال تأکید نموده‌اند.

با وجود تلاش‌های صورت گرفته برای ارائه تفسیر تازه‌ای از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی، همچنان پرسش‌هایی درباره دقت، انسجام و مبانی استدلالی برخی از این پژوهش‌ها مطرح است. از این‌رو، بازخوانی و بررسی انتقادی آنها می‌تواند به روشن‌تر شدن ابعاد مختلف بحث و نیز اصلاح یا تکمیل استدلال‌ها یاری رساند. در همین راستا، پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی به ارزیابی یکی از این پژوهش‌ها پرداخته است. پژوهش مورد بررسی توسط حجه‌الاسلام حسین احمدی با عنوان «تفسیری درباره تمایز حد نصاب اخلاق و تربیت اخلاقی از منظر آیت‌الله مصباح» نگارش یافته و در مجله جستارهایی در فلسفه و کلام شماره 56 (شهریور 1403) به چاپ رسیده است. نوشته پیش‌رو در دو بخش اصلی سامان یافته است: نخست، برجسته‌سازی نقاط قوت و امتیازات کار، و دوم، تأمل در مواردی که نیازمند بازبینی یا توضیح بیشتر است. هدف این نقد نه صرفاً بیان کاستی‌ها، بلکه ارائه تحلیل‌های سازنده برای فهم دقیق‌تر آراء آیت‌الله مصباح یزدی و ارتقای سطح پژوهش در این حوزه است. بر همین اساس، ضمن توجه به محاسن، به نکاتی نیز اشاره خواهد شد که می‌تواند به غنای بحث بیفزاید. امید است این بررسی، گامی در جهت تبیین بهتر موضوع و تقویت ادبیات علمی در زمینه اخلاق اسلامی و تربیت اخلاقی باشد.

1. محاسن مقاله

از آنجا که نقد علمی در اخلاق پژوهش متکی بر عدالت و انصاف است، اقتضای اخلاق نقد آن است که هم به نقاط قوت آثار توجه شود و هم به کاستی‌ها و ضعف‌های احتمالی آنها. تنها در چنین صورتی نقد می‌تواند سازنده و راهگشا باشد و به ارتقای سطح پژوهش یاری رساند.¹ در ادامه، به برخی از ویژگی‌های ارزشمند مقاله پرداخته می‌شود:

1-1. نوآوری در موضوع و دیدگاه

یکی از امتیازات مهم مقاله محقق ارجمند آقا احمدی، نوآوری آن در دو جنبه اصلی است که در پژوهش‌های مشابه کمتر به این دقت و تفصیل مورد توجه قرار گرفته‌اند: نخست، ارائه تحلیلی تازه از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی در باب تمایز میان اخلاق و تربیت اخلاقی، و دوم، تمرکز بر موضوعی نو در گستره اخلاق اسلامی که پیش‌تر به صورت مستقل بدان پرداخته نشده بود.

اهمیت این نوآوری از آن جهت است که پیشرفت علمی در گرو طرح مباحث تازه و بازنگری در مباحث پیشین است. رعایت اصل نوآوری در پژوهش موجب می‌شود تا از تکرار صرف جلوگیری شود و زمینه برای گشودن افق‌های جدید در تحقیقات فراهم آید. بر همین اساس، این مقاله کوشیده است ضمن تلاش برای وفاداری به مبانی اندیشه آیت‌الله مصباح، با رویکردی نو، افق‌های تازه‌ای را در مطالعه نسبت اخلاق و تربیت اخلاقی آشکار سازد. چنین رویکردی می‌تواند الگویی برای پژوهش‌های آینده در حوزه اخلاق اسلامی باشد و بر غنای ادبیات علمی این رشته بیفزاید.

1. شریفی، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، ص 84

1-1-1. تحلیل جدید از دیدگاه آیت‌الله مصباح درباره اخلاق و تربیت اخلاقی

نویسنده مقاله، برای نخستین بار به‌طور نظاممند به بررسی و تحلیل دیدگاه آیت‌الله مصباح در مورد تمایز میان اخلاق و تربیت اخلاقی پرداخته است. این تحلیل شامل تفکیک دقیق میان «حد نصاب اخلاقی» و «حد نصاب تربیت اخلاقی» و بررسی ارتباط آن‌ها با مفاهیم کلیدی مانند «قیح فعلی» و «قیح فاعلی» است.

یکی از دستاوردهای این مقاله، تبیین دقیق این نکته است که در فلسفه اخلاقی آیت‌الله مصباح، ارزش اخلاقی به‌طور خاص به معیارهایی چون ایمان به خدا و اعتقاد به قیامت وابسته است، در حالی که تربیت اخلاقی می‌تواند شامل ارزش‌های عملی‌تری باشد که به کمال انسانی نزدیک می‌کند، حتی اگر این ارزش‌ها با معیارهای اخلاقی به معنای عام آن مطابقت نداشته باشند.

علاوه بر این، نویسنده با استفاده از استدلال‌های جدید و مبتنی بر تفکیک مذکور، نشان داده است که چگونه برخی از رفتارهایی که نمی‌توان آن‌ها را از منظراندیشه آیت‌الله مصباح‌یزدی اخلاقی دانست از منظر «حد نصاب تربیت اخلاقی» می‌توانند ارزش تربیتی داشته باشند. برای مثال، سخاوت فردی چون حاتم طائی که ایمان به خدا ندارد، از دیدگاه تربیت اخلاقی ارزشمند است و می‌تواند به کمال انسانی نزدیک کند، گرچه از منظر «حد نصاب اخلاقی» فاقد ارزش اخلاقی باشد. این تحلیل، علاوه بر روشن کردن ابعاد مختلف دیدگاه آیت‌الله مصباح، درک کامل‌تری از تمایزهای میان اخلاق و تربیت اخلاقی فراهم می‌آورد و می‌تواند مبنای جدیدی برای پژوهش‌های آینده در این حوزه باشد.

پیشینه پژوهش
انتشار

2-1-1. تمرکز بر موضوع تازه در حوزه اخلاق اسلامی

مقاله حاضر به‌خوبی توانسته است تمایزی عملی میان دو حوزه‌ی «اخلاق» و «تربیت اخلاقی» قائل شود. این تمایز در بررسی جزئی «حد نصاب» هر یک از این دو، با اتکا به دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح یزدی، برای اولین بار با چنین دقتی ارائه شده است. این تفکیک و تحلیل ساختارمند، به‌ویژه در روشن‌سازی اهداف، روش‌ها و معیارهای متفاوت این دو عرصه، به مقاله وزن علمی قابل قبولی بخشیده و آن را به‌عنوان یک مرجع پژوهشی در تحقیقات اخلاق اسلامی مطرح می‌کند.

اگرچه پیش از این نیز در برخی منابع، اشاراتی به تمایز میان اخلاق و تربیت اخلاقی وجود داشته، اما دستاورد این مقاله در عمق روش‌شناسی و ارائه تحلیل‌های مفصل در رابطه با حد نصاب‌های این دو حوزه، گامی مهم در شفاف‌سازی مرزهای آن‌ها محسوب می‌شود. نویسنده با بهره‌گیری از چارچوب فکری آیت‌الله مصباح، توانسته است تفکیک مفهومی را به‌طور دقیق‌تری انجام دهد و به‌خصوص در تحلیل معیارهای تربیتی و اخلاقی، ابعاد کاربردی این تمایز را مورد توجه قرار دهد.

در نتیجه، این رویکرد تحلیلی جدید در بحث اخلاق و تربیت اخلاقی، مقاله را به منبعی ارزشمند برای پژوهشگران و تمامی علاقه‌مندان به مباحث تربیت دینی و اخلاق اسلامی تبدیل کرده است.

2-1-2. نگاه مقایسه‌ای

یکی دیگر از ویژگی‌های مقاله، استفاده از رویکرد مقایسه‌ای در تحلیل تمایز میان «اخلاق» و «تربیت اخلاقی» است. نویسنده به نوبه خود توانسته است تفاوت‌های این دو مفهوم را از جنبه‌های مختلفی مانند هدف، روش، قلمرو و حد نصاب اخلاقی روشن کند. این نگاه مقایسه‌ای و تحلیلی، به‌ویژه در بررسی اهداف مختلف این دو حوزه، موجب شده است که تمایزات موجود میان اخلاق و تربیت اخلاقی به‌طور دقیق‌تر و شفاف‌تری نمایان شود.

3-1-1. اخلاق مداری در انتساب دیدگاه

رعایت ادب و احترام در نقد و انتساب دیدگاه یکی دیگر از ویژگی‌های مثبت مقاله است. نویسنده در بررسی آرای آیت‌الله مصباح، به‌جای استفاده از نقد صریح، از شیوه‌ای علمی و محترمانه بهره برده است. این رویکرد باعث می‌شود که مقاله از نظر اخلاقی و علمی نیز به‌عنوان یک منبع معتبر مورد توجه قرار گیرد.

همچنین، تواضع نویسنده که در عنوان مقاله «تفسیری درباره تمایز حد نصاب اخلاق و تربیت اخلاقی از منظر آیت‌الله مصباح» نیز به‌وضوح نمایان است، در نحوه طرح مسئله خود مشهود است. ایشان به‌دلیل نبودن مسئله، بدون اسناد قطعی، مسئله را مطرح کرده‌اند و این خود نشان‌دهنده دقت و احتیاط علمی در پیش‌برد بحث است. این نگرش به پژوهش نشان از حسن نیت ایشان می‌باشد که ویژگی‌ای ارزشمند است.

2. نقاط قابل تأمل

برخی از نکات مطرح شده در مقاله، نیازمند بررسی و تأمل بیشتری هستند. امید است که طرح این موارد به تبیین بهتر زوایای مبهم مسائل مرتبط با رابطه اخلاق و تربیت اخلاقی کمک کند:

2-1. نقد بر اصل ادعا

ابتدا مدعای اصلی مقاله و شواهد ارائه شده برای اثبات آن بیان می شود، سپس ارزیابی و نقد آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

2-1-1. اصل مدعا: تفکیک علم اخلاق و تربیت اخلاقی

ادعای اصلی مقاله مورد بررسی این است که آیت الله مصباح یزدی قائل به تفکیک میان «علم اخلاق» و «علم تربیت اخلاقی» هستند. هرچند در تعریفی که ایشان از علم اخلاق ارائه می کنند، تربیت اخلاقی نیز در آن گنجانده شده و این دو به نوعی درهم تنیده شده اند. ایشان علم اخلاق را چنین تعریف می کنند: «برای ارائه تعریفی جامع تر و دقیق تر از علم اخلاق، می توان آن را به دانشی تعریف کرد که از انواع صفات خوب و بد و چگونگی اکتساب صفات خوب و زدودن صفات بد بحث می کند. موضوع علم اخلاق عبارت است از صفات خوب و بد از آن جهت که مرتبط با افعال اختیاری انسان بوده، برای او قابل اکتساب یا اجتناب اند. در علم اخلاق ضمن آشنایی با انواع فضایل و رذایل اخلاقی، شیوه ها و راه های کسب خوبی ها، و رفع و دفع بدی ها نیز تعلیم داده می شود».²

اما براساس مقاله احمدی، این امر بیشتر به دلیل تبعیت از دیدگاه مشهور اندیشمندان اخلاق است. وی در این باره می نویسد: «آیت الله مصباح مانند بسیاری از اندیشمندان اسلامی در تعریف علم اخلاق، تربیت اخلاقی را از علم اخلاق جدا نکرده است؛ اما می توان احتمال داد که اتخاذ تعریف علم اخلاق در کتب ایشان به تبعیت از مشهور اندیشمندان اخلاق بوده است».³ برای اثبات این ادعا، نویسنده مقاله دو شاهد از کلام آیت الله مصباح ارائه کرده است:

شاهد اول: تحلیل ماهیت جملات اخلاقی

نخستین شاهدهی که دکتر احمدی برای اثبات ادعای خود ذکر می کند، به دیدگاه آیت الله مصباح درباره ماهیت جملات اخلاقی بازمی گردد. به گفته وی، آیت الله مصباح احکام اخلاقی را از نوع جملات خبری می داند، هرچند در برخی موارد

² . مصباح یزدی، فلسفه اخلاق، ص 18.

³ . احمدی، «تفسیری درباره تمایز حد نصاب اخلاق و تربیت اخلاقی از منظر آیت الله مصباح یزدی»، ص 109.

به صورت انشایی بیان می‌شوند. نویسنده مقاله استدلال می‌کند که این شیوه بیان، صرفاً به دلایل تربیتی اتخاذ شده است، نه به این دلیل که جملات انشایی، مبنای واقعی در علم اخلاق دارند.⁴

شاهد دوم: ارزش اعمال غیر مسلمانان

دومین شاهدهی که نویسنده برای تأیید مدعای خود ارائه می‌کند، به دیدگاه آیت‌الله مصباح درباره ارزش اعمال افراد غیرمسلمان بازمی‌گردد. بر اساس نظر آیت‌الله مصباح، اعمال نیکوی کفار همچون سخاوت، کاملاً بی‌ارزش نیستند و حتی ممکن است موجب تخفیف یا رفع عذاب در آخرت شوند. نویسنده مقاله این موضع را نشانه‌ای از تفکیک میان اخلاق و تربیت اخلاقی می‌داند و استدلال می‌کند که برای توجیه این سخن، باید قائل به جدایی میان علم اخلاق و تربیت اخلاقی شد. از آنجاکه کفار به خداوند و معاد ایمان ندارند، از نظر علم اخلاق، اعمال آنان فاقد ارزش اخلاقی است، اما از منظر تربیت اخلاقی، این اعمال می‌توانند واجد ارزش باشند.⁵

این استدلال در بخش‌های مختلف مقاله نیز تأکید شده است. برای نمونه، محقق محترم، دیدگاه آیت‌الله مصباح را چنین نقل می‌کند:

«آیت‌الله مصباح ارزش را تقریباً مساوی با مطلوبیت و تناسب میان رفتار اختیاری و هدف قلمداد می‌کند و معتقد است که اگر رفتاری حسن فعلی داشته باشد اما فاقد حسن فاعلی باشد، دارای حد نصاب اخلاقی نیست، اما بی‌ارزش نیز محسوب نمی‌شود».⁶

این بیان نشان می‌دهد که از منظر آیت‌الله مصباح، ارزش اخلاقی درجاتی دارد و حتی رفتاری که فاقد شرط فاعلی است، به کلی بی‌اعتبار شمرده نمی‌شود. محقق محترم از نفی بی‌ارزشی رفتارهای فاقد حسن فاعلی در تعابیر فوق درصدد استتاج تفکیک حد نصاب اخلاق از حد نصاب تربیت اخلاقی برآمده و چنین معتقد است که الگوه رفتارها فاقد حد نصاب اخلاقی اند اما به دلیل تأثیر در تربیت افراد و ارتقای آن‌ها از یک سطح به سطح دیگر، واجد حد نصاب تربیت اخلاقی می‌باشند.

در موضعی دیگر از مقاله، این تفکیک به صورت روشن‌تر تبیین شده است. بر اساس این برداشت، آیت‌الله مصباح صفات و رفتارهای اختیاری را که از ایمان به خدا و قیامت سرچشمه نمی‌گیرند، هرچند دارای حسن فعلی و خالی از قبح فاعلی اند،

بیان نقل قول مستقیم از مقاله مذکور به جهت **Commented [A1]:** این که باید نقد و بررسی شود، کار خوبی است اما توجه داشته باشید که توضیح مقدم بر این بیان نقل قول مستقیم چندان تفاوت جدی با نقل قول مستقیم ندارد. در موارد پیشین هم همین گونه است و به نوعی تکرار دوباره همان مطلب است و ایجاد خستگی برای مخاطب دارد. بازنویسی لازم است.

Commented [A2]: پاسخ به داور محترم: انجام شد.

4. بر اساس دیدگاه آیت‌الله مصباح، باید‌ها و نیاید‌هایی که در علم اخلاق مطرح می‌شوند، در زمره معقولات ثانی فلسفی قرار می‌گیرند؛ یعنی مفاهیمی فلسفی که منشأ انتزاع آن‌ها در واقعیت خارجی ریشه دارد. این بدان معناست که هرچند گزاره‌های اخلاقی در قالب امر و نهی یا باید و نباید بیان می‌شوند، اما در حقیقت ماهیتی اخباری دارند و ناظر به واقعیتی خارجی اند. بنابراین، برخلاف تصور اولیه، در علم اخلاق انشایی واقعی وجود ندارد، بلکه این انشا در تربیت اخلاقی مطرح می‌شود، جایی که امر و نهی و خطاب‌های انشایی به عنوان ابزار تربیتی به کار گرفته می‌شوند.

5. احمدی، «تفسیری درباره تمایز حد نصاب اخلاق و تربیت اخلاقی از منظر آیت‌الله مصباح یزدی»، ص 111.

6. احمدی، «تفسیری درباره تمایز حد نصاب اخلاق و تربیت اخلاقی از منظر آیت‌الله مصباح یزدی»، ص 111.

فاقد حد نصاب اخلاقی دانسته است. با این حال، از همین تحلیل نتیجه گرفته شده که چنین افعالی از نوعی ارزش برخوردارند و این ارزش نه اخلاقی به معنای نهایی، بلکه ارزش تربیتی محسوب می‌شود.⁷

بر این اساس، محقق گرانقدر تلاش کرده است تا نشان دهد که تمایز میان اخلاق و تربیت اخلاقی در اندیشه آیت‌الله مصباح، به‌صورت تلویحی در آثار ایشان قابل برداشت است، هرچند ممکن است در تعاریف رسمی ایشان، این تفکیک صراحتاً مطرح نشده باشد.

2-1-2. ارزیابی و بررسی ادعا

اکنون تحلیل و ارزیابی دو شاهد ارائه‌شده در تأیید این مدعا مورد بررسی قرار می‌گیرد:

ارزیابی شاهد اول:

یکی از مباحث اساسی در تحلیل تمایز میان علم اخلاق و علم تربیت اخلاقی، مسئله نقش اعتبار (جعل) و گزاره‌های اعتباری (انشائی) در این دو حوزه است. نویسنده مقاله⁸ مذکور، در استدلال خود برای تفکیک این دو علم، به این نکته اشاره کرده که در علم اخلاق، باید‌ها و نبایدها از سنخ معقولات ثانی فلسفی بوده و در نتیجه، گزاره‌های اخلاقی از جنس اخباری هستند، هرچند در ظاهر به‌صورت امر و نهی بیان شوند. در مقابل، در تربیت اخلاقی، به دلیل ماهیت تربیتی آن، امر و نهی نقش برجسته‌تری دارند و می‌توان از گزاره‌های انشائی استفاده کرد. این مسئله، در نگاه نخست، تفکیک روشنی میان این دو حوزه ایجاد می‌کند.

اما در این استدلال، ابهامی در رابطه با نقش اعتبار و انشاء در علم تربیت اخلاقی به‌مثابه یک دانش مستقل وجود دارد. هرچند روشن است که تربیت اخلاقی به‌عنوان یک عمل مستلزم جعل و انشاء در قالب‌هایی مانند امر و نهی است، اما پرسش اینجاست که آیا تربیت اخلاقی به‌عنوان یک علم نیز شامل گزاره‌های انشائی می‌شود یا اینکه همانند علم اخلاق، تمام گزاره‌های آن اخباری‌اند و کاربرد امر و نهی صرفاً در مقام تربیت عملی است و نه علم تربیت؟

در پاسخ به این پرسش، می‌توان دو رویکرد مطرح کرد:

1. رویکرد اول: علم تربیت اخلاقی علاوه بر گزاره‌های اخباری، می‌تواند شامل گزاره‌های انشائی نیز باشد. به این معنا که برخی توصیه‌های اخلاقی، مانند: «وَقُرُوا كِبَارَكُمْ»⁹، در عین داشتن ماهیت انشائی، مبتنی بر واقعیتی عینی و حقیقی هستند. از این منظر، گزاره‌های انشائی در تربیت اخلاقی را می‌توان مشابه گزاره‌های انشائی در فقه مانند «وَأَقِمُْوا الصَّلَاةَ»¹⁰ دانست که نشان‌دهنده طلب و خواست شارع هستند.

7. احمدی، «تفسیری درباره تمایز حد نصاب اخلاق و تربیت اخلاقی از منظر آیت‌الله مصباح یزدی»، ص 118.

8. حجه‌الاسلام حسین احمدی.

9. لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ج 1، ص 504. «بزرگانتان را احترام کنید»

10. بقره، 43. «اقامه کنید صلات را»

2. رویکرد دوم میان علم اخلاق و علم تربیت اخلاقی، از حیث معرفت‌شناختی، تفاوتی وجود ندارد و تمام گزاره‌های مطرح‌شده در این دو علم، در نهایت، ماهیتی اخباری دارند، هرچند که برخی از آن‌ها در ظاهر انشائی بیان شوند. بر اساس این دیدگاه، آنچه به‌عنوان گزاره‌های انشائی در تربیت اخلاقی مطرح می‌شود، در حقیقت، بازنمایی یک امر واقعی است و بنابراین، تفاوت ماهوی با گزاره‌های اخلاقی ندارد.

به نظر می‌رسد نویسنده مقاله در تحلیل خود، میان علم اخلاق و علم تربیت اخلاقی، تفاوت روشنی از نظر معرفت‌شناختی قائل نشده است و این مسئله نیازمند تحلیل دقیق‌تر است. اگر بپذیریم که تربیت اخلاقی به‌عنوان یک علم، دربردارنده گزاره‌های انشائی است، آنگاه تفکیک میان عمل تربیت اخلاقی و علم تربیت اخلاقی نیازمند توجه بیشتری است. بی‌تردید، عمل تربیت اخلاقی ذاتاً با گزاره‌های انشائی مانند امر و نهی همراه است، اما انشائی دانستن گزاره‌های علم تربیت اخلاقی، مسئله‌ای است که نیاز به بررسی و تحلیل دقیق‌تری دارد. از آنجاکه ظاهر تعابیر آیت‌الله مصباح درباره کاربرد امر و نهی اخلاقی ناظر به عمل تربیت اخلاقی است، استناد به این تعابیر برای اثبات انشائی بودن گزاره‌های علم تربیت اخلاقی و در نتیجه تمایز آن از علم اخلاق، جای تأمل دارد و به نظر می‌رسد تعابیر فوق را بدون ارائه شواهد دقیق و قوی نمی‌توان ناظر به تفکیک این دو علم از یکدیگر دانست؛ شواهدی که در تعابیر یاد شده و نه در سایر آثار آیت‌الله مصباح یزدی (ره) مشاهده نمی‌شود در چنین شرایطی، استدلال ارائه‌شده برای تفکیک این دو علم از حیث ساختار گزاره‌ها تکلف‌آمیز بوده و نیازمند بازنگری خواهد بود.

جمع‌بندی:

این نقد نشان می‌دهد که در استدلال ارائه‌شده برای تفکیک علم اخلاق از علم تربیت اخلاقی، ابهامی درباره جایگاه گزاره‌های انشائی در علم تربیت اخلاقی وجود دارد. در صورتی که علم تربیت اخلاقی صرفاً مشتق از گزاره‌های اخباری باشد، تفاوت آن با علم اخلاق کمتر از آن چیزی خواهد بود که نویسنده مقاله ادعا کرده است. در نهایت، اگر در این علم، گزاره‌های انشائی نیز جایگاه داشته باشند، باید به این مسئله تصریح شود و تفاوت آن با علم اخلاق از این حیث، به‌صورت دقیق‌تری تبیین گردد.

ارزیابی شاهد دوم:

پیش از این توضیح داده شد که برخی تعابیر آیت‌الله مصباح یزدی (ره) مستمسکی برای طرح تفکیک علم اخلاق از علم تربیت اخلاقی قرار گرفته است. به عنوان مثال با تمسک به تعبیری که در آن ارزش اخلاقی افعالی که فاقد حسن فاعلی و نیت الهی اند سلب شده و در عین حال آن رفتارها بی ارزش دانسته نشده‌اند. تفسیر صاحب مقاله¹¹ مذکور متأثر از این مسئله است که چگونه می‌توان از یک سو فعل فاقد حسن فاعلی نظیر فعل کفار را غیر اخلاقی دانست و از سوی دیگر آن را ارزشمند شمرد؟ ایشان برای حل این شبهه به طرح این مدعا پرداختند که ارزش نفی شده ارزش اخلاقی است و ارزش اثبات شده ارزش تربیت اخلاقی بدین معنا که آن فعل، فرد را مقرب نخواهد کرد، اما زمینه تربیت اخلاقی او را فراهم خواهد نمود.

¹¹ . حجه‌الاسلام حسین احمدی.

به نظر می رسد صرف استناد به تعابیر مذکور بدون التفات به محکّمات اندیشه ایشان و نیز تفاسیری که خود آیت الله مصباح در آثار خود از سطوح مختلف ارزشمندی مطرح فرموده اند، برای اسناد تفکیک بین اخلاق و تربیت اخلاقی کافی نباشد. برای بررسی این مدعا و پیش از آن لازم است برخی مبانی و مقدمات روشن شود. این مقدمات نشان می دهد که آیا تفسیر ارائه شده در مقاله، بر تفسیری دقیق از مبانی استوار است یا اینکه می توان تبیین دیگری برای این مسئله ارائه داد. بر اساس اصل منطقی «إذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال»، هرگاه برای یک استدلال احتمالات دیگری وجود داشته باشد، استدلال قطعی نخواهد بود. از این رو، لازم است پیش از پذیرش نتیجه گیری مقاله، مسئله از زوایای مختلف بررسی شود.

الف) اصل بی اعتباری ارزش اخلاقی برای اعمال کفار

آیت الله مصباح، بر اساس تعالیم قرآنی، این اصل را می پذیرند که اعمال نیک کفار، فاقد ارزش اخلاقی است. ایشان چنین می فرمایند: «از جمله آیاتی نیز که بخصوص بر اهمیت ایمان به عنوان شرط ارزش اخلاقی تأکید و بر این دلالت دارند که اعمال کفار هیچ ارزش ندارد نظیر: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتُهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ»¹² (و ابراهیم، 18) از آیات فوق نتیجه می گیریم: کار هر چند خوب بوده و حسن فعلی داشته باشد، هنگامی موجب سعادت انسان می شود که حسن فاعلی داشته، منشأ آن نیت خالص و ایمان باشد»¹³.

بر این اساس، روشن است که آیت الله مصباح نیز همانند سایر اندیشمندان اسلامی، ارزش اخلاقی را وابسته به ایمان می داند و معتقدند که بدون ایمان، افعال نیکو فاقد ارزش اخلاقی به معنای حقیقی هستند، اما آیا این بدین معناست که کار ایشان فاقد ارزش است و همه افعال همه کفار را باید در یک سطح از ارزش دانست؟ در ادامه به تبیین این نکته خواهیم پرداخت که از منظر آیت الله مصباح یزدی (ره) رفتار همه انسان ها را می توان بر اساس میزان قرب به خداوند متعال یا دوری از خداوند ارزش داوری کرد و از مراتب ارزش اخلاقی انسان ها سخن به میان آورد. در این صورت تعابیری از ایشان که در آن از یک سو ارزش افعال فاقد حسن اخلاقی نفی شده (مانند فعل کفار) و از سوی دیگر فاقد ارزش نیز شمرده نشده را باید بدین صورت تفسیر کرد که آن فعل مورد نظر که فاقد حسن اخلاقی یعنی نیت قرب است، حداقل سعادت که نشانه آن ورود به بهشت برین است را برای وی به ارمغان نمی آورد و یا به تعبیر دیگر حسن اخلاقی (به معنای مذکور) را ندارد، اما اینگونه نیست که انجام آن فعل (نظیر احترام به دیگران یا کمک به آنها) هیچ تأثیری بر نفس وی نداشته است، بلکه بر نفس او تأثیری داشته، اما تأثیر آن به اندازه ای نیست که موجب سعادت ابدی وی شود، مگر اینکه حسن فاعلی به آن ضمیمه گردد.

¹². آل عمران، 116-117 «کسانی که کافر شدند، هرگز نمی توانند در پناه اموال و فرزندان، از مجازات خدا در امان بمانند! آنها اصحاب دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند؛ آنچه آنها در این زندگی پست دنیوی اتفاق می کنند، همانند باد سوزانی است که به زراعت قومی که بر خود ستم کرده

(و در غیر محل و وقت مناسب، کشت نموده اند)، بوزد؛ و آن را نابود سازد. خدا به آنها ستم نکرده؛ بلکه آنها، خودشان به خویشان ستم می کنند».

¹³. مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج 1، ص 123.

ب) تفکیک میان کفار عنود و کفار مستضعف

با وجود پذیرش مقدمه نخست، آیت‌الله مصباح میان انواع کفار تفاوت قائل می‌شوند. به عبارت دیگر، تمام کفار در یک سطح قرار ندارند و باید میان کفاری که از روی عناد و لجاجت کفر ورزیده‌اند و کسانی که به دلیل جهل یا ناآگاهی در زمره کفار قرار گرفته‌اند، تمایز قائل شد. این تمایز به‌ویژه در آموزه‌های قرآنی و کلام اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. آیت‌الله مصباح در این زمینه تصریح می‌کنند که:

قرآن نفرموده است بدترین مردم، بلکه فرموده است بدترین جنبندگان (که کتایه از حیوان‌هاست) نزد خدا کسانی هستند که از روی عناد کفر می‌ورزند نه از روی جهل و قصور؛ زیرا حقیقت کفر همان انکار و عناد است و کفری که ناشی از جهل و بی‌خبری و از روی قصور باشد مورد عفو قرار می‌گیرد.¹⁴

یا در جایی دیگر ایشان این چنین بیان می‌کند:

نتیجه اینکه از اهل کتاب و پیروان شرایع پیشین، کسانی که به پیامبر زمان خود ایمان داشته و به دستورهای او عمل کرده‌اند، اهل سعادت‌اند؛ اما کسانی که اهل عنادند و باینکه حقانیت اسلام برایشان ثابت شده است، آن را انکار می‌کنند، برای همیشه در عذاب‌اند. در این میان برخی هم به دلایلی حق برایشان ثابت نشده است و به اصطلاح «مستضعف»‌اند. اینان به اندازه‌ای که حجت برایشان تمام شده، مکلف‌اند و به قدر کوتاهی‌هایشان در شناخت حق و عمل به تکالیف، عذاب می‌شوند؛ ولی عذابشان دائمی نخواهد بود.¹⁵

ج) ارزش اعمال کفار غیر معاند و تبیین آن

بر اساس تفکیک مطرح‌شده در مقدمه دوم، آیت‌الله مصباح تصریح می‌کنند که اعمال کفار از سوی کفار غیر معاند، به‌ویژه زمانی که ناشی از انگیزه‌های انسانی و عواطف اخلاقی باشد، دارای نوعی ارزش است. اما این ارزش، نه به معنای ارزش اخلاقی کامل، بلکه در سطحی مقدماتی و تأثیری خاص است که بر اساس آن، روح انسان برای پذیرش حقیقت آماده‌تر می‌شود. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

کارهایی هست که این ویژگی‌ها را ندارد، مخالف با قالب‌هایی که شارع تعیین کرده نیست، انگیزه منفی هم ندارد یعنی به خاطر دشمنی با دین و حق و اولیاء حق هم نیست. انگیزه‌اش هم از حد حیوانیت بالاتر است، فقط برای تأمین امور بدنی و مادی و شهوانی نیست، احیاناً انگیزه‌های عاطفی دارد، مثل ایثارهایی که مردم غیرمسلمان انجام می‌دهند، روی انگیزه عاطفی انسانی. سخاوت‌هایی که دارند و ... اینها مربوط به شکم و شهوت نیست. یک انگیزه فوق حیوانی دارد، ولی نه به خاطر خدا، چرا که ایمان به الله ندارد. سخاوت هم بر خلاف دستورات شرع نیست، با این شرایط، ارزش قریب به حد نصاب می‌تواند داشته باشد؛ از جهت اینکه نفس را برای نزدیکی به آن کمال و بهره‌مندی از آن، آماده می‌کند. درست است که کمال ثابتی برای نفس ایجاد نمی‌کند، اما نفس را مستعد و خیلی نزدیک می‌کند و ارزشی قریب به حد نصاب دارد. بر این اساس است

¹⁴. مصباح‌یزدی، چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی، ص 16.

¹⁵. مصباح‌یزدی، راه و راهنماشناسی، ص 559.

که عدالت یا شجاعت کسانی در اسلام مدح شده است و حتی روایاتی داریم که در قیامت خدا عذاب را از آنها برمی‌دارد. مثل حاتم طائی. اما چون به حد نصاب نرسیده، موجب دخول در بهشت نمی‌شود. علامت حد نصاب این است که سعادت ابدی را تأمین می‌کند. علامت قریب به حد نصاب این است که عذاب را برمی‌دارد.¹⁶

بر اساس تصریح آیت الله مصباح یزدی که به نمونه ای از آن اشاره شد که ارزش اخلاقی مشکک و ذومراتب است. در صورتی که رفتاری از هر دوی حسن فعلی و فاعلی برخوردار باشد و هر دوی ایمان و عمل صالح محقق شود، فرد را به حدنصاب سعادت خواهند رساند که نشانه آن ورود به بهشت است. اما رفتاری که صرفاً حسن فعلی دارد، اما به نیت قرب الهی انجام نشده، هرچند فاعل آن غیرمسلمان و کافر باشد، هرچند ارزش اخلاقی به معنای تأمین حد نصاب سعادت و ورود به بهشت را ندارد، اما اینگونه نیست که فاقد ارزش باشد و هیچ تأثیر مثبتی در آن فاعل اخلاقی ایجاد نکند، بلکه در او تأثیرگذار است و حتی ممکن است موجب رفع عذاب از او شود.

از این رو، صرف نفی ارزش از رفتار فاقد حسن فاعلی و در عین حال ارزشمندی آن را نمی‌توان شاهی برای مدعایی دانست که فاقد هرگونه نشانه ای از تفکیک مزبور در آثار و اندیشه های ایشان است و به نظر می‌رسد بهترین تفسیر از اینگونه تعبیر بر اساس التفات به مبانی ایشان و سایر قرائن دردسترس است که مطابق آن رفتار مورد بحث را باید بر اساس قول به مشکک و ذو مراتب بودن خود ارزش اخلاقی تفسیر کرد؛ بدین صورت که آن رفتار سعادت بخش (خوب به معنای موصل به بهشت) نیست، اما حداقل مراتب آن را داراست که نتیجه آن دور شدن از عالم حیوانیت و ... است و نتیجه آن در بالاتری مرتبه، رفع عذاب.

تبیین‌های ممکن برای ارزش اعمال کفار در اندیشه آیت‌الله مصباح یزدی

پس از طرح مقدمات سه‌گانه، در این بخش به مرحله نقد ادعای نویسنده مقاله وارد می‌شویم. نویسنده با استناد به برخی تعبیر آیت‌الله مصباح یزدی (ره)، مدعی است که باید میان «ارزش اخلاقی» و «ارزش تربیتی» تفکیک قائل شد؛ به این معنا که فاعلی که فاقد حسن فاعلی و نیت الهی‌اند، هرچند اخلاقی محسوب نمی‌شوند، اما بی‌ارزش هم نیستند و می‌توانند واجد ارزش تربیتی باشند. با این حال، جای تأمل است که آیا صرف استناد به این تعبیر برای اثبات چنین تفکیکی کفایت می‌کند یا نه. به نظر می‌رسد با توجه به دیگر مبانی و محکومات اندیشه آیت‌الله مصباح و نیز تبیین‌های متنوعی که خود ایشان از سطوح مختلف ارزشمندی ارائه کرده‌اند، می‌توان وجوه دیگری از برداشت و تبیین را نیز در نظر گرفت. ازاین‌رو، در ادامه ضمن نقد این مدعا، احتمالات و تفاسیر دیگری از سخنان آیت‌الله مصباح مطرح خواهد شد تا استدلال مقاله تنها به یک قرائت خاص منحصر نشود.

توجه یک: پاسخ به فطرت

با توجه به این که مقاله شما، نقدی بر یک **Commented [A3]:** مقاله دیگر است، مطالب را به گونه ای تقریر کنید که خواننده لازم نباشد مقاله قبلی را بخواند. بهتر است ابتدای بحث توضیح دهید چگونه بی ارزش دانستن اعمال کفار برای نویسنده مقاله، شاهی بر تمایز میان علم اخلاقی و تربیت اخلاقی است.

Commented [A4]: پاسخ به داور محترم: این ها مقدمه هستند (سه مورد ذکر شده) تا به پاسخ نهایی برسیم لذا نمی توان مقدمه ای بر مقدمه نوشته شود. یعنی با کنار هم نهادن این سه مقدمه، فهم عنوان اصلی که «تبیین های ممکن برای ارزش اعمال کفار در اندیشه آیت الله مصباح» هست بهتر فهم می شود و می‌توان نقد اصلی را بیان کرد.

این تبیین ها به چه منظوری دقیقاً انجام می **Commented [A5]:** شود؟ آیا نقد برداشت نویسنده مقاله نخست است یا نقد نظرات آیت الله مصباح یزدی. مراحل کار را به روشنی توضیح دهید.

Commented [A6]: پاسخ داور محترم: نکته شما لحاظ شد با تشکر

یکی از راه‌های تبیین ارزش اعمال نیک کفار در اندیشه آیت‌الله مصباح یزدی، تحلیل این اعمال در چارچوب پاسخ به ندای فطرت است. بر اساس این دیدگاه، گرایش به خیر و انجام اعمال نیک، حتی در غیاب ایمان به خداوند، ریشه در سرشت و فطرت انسان دارد. این تبیین، نیازی به تفکیک میان علم اخلاق و علم تربیت اخلاقی ندارد، بلکه درون نظام فکری آیت‌الله مصباح، بر اساس اصولی چون نقش فطرت در اخلاق، تمایز میان کفار معاند و غیرمعاند، و نظریه قرب الهی قابل تبیین است.

یکی از مبانی مهم در اندیشه اسلامی، این است که حس اخلاقی در انسان، مستقل از حس خداشناسی نیست، بلکه بخشی از گرایش فطری او به حقیقت و کمال است. بر همین اساس، افرادی که از ایمان به خداوند بی‌بهره‌اند، همچنان می‌توانند از طریق این حس فطری، به برخی اعمال نیک گرایش داشته باشند. شهید مطهری در این باره می‌گوید:

انسان این کارها را انجام می‌دهد و در این کارها یک نوع شرافت و عظمتی تشخیص می‌دهد... حس می‌کند که با انجام این کارها خودش را بزرگوار می‌کند؛ مثل ایثار، از خودگذشتگی و انصاف دادن. ... این حالت که در انسان هست ناآگاهانه، بدین جهت است که انسان خدا را می‌شناسد و یک سلسله مسائل است که بالفطره و ناآگاهانه آن‌ها را می‌شناسد.¹⁷

از این منظر، انجام عمل نیک از سوی برخی کفار، به دلیل پاسخ‌دهی ناخودآگاه آن‌ها به گرایش فطری‌شان به خیر و عدالت است. چنین افرادی، هرچند آگاهانه قصد تقرب به خدا را ندارند، اما عمل آن‌ها، درواقع جلوه‌ای از همان حقیقت فطری است که در وجود انسان نهاده شده است.

آیت‌الله مصباح تصریح می‌کند که ارزش یک عمل، علاوه بر حسن فعلی، به حسن فاعلی آن نیز وابسته است. اما درعین حال، ایشان میان انگیزه‌های صرفاً حیوانی و انگیزه‌های انسانی و اخلاقی تمایز قائل می‌شوند. برخی کفار، انگیزه‌های نیک دارند که فراتر از خودخواهی مادی و حیوانی است؛ انگیزه‌هایی مانند نوع‌دوستی، ایثار و عاطفه انسانی. ایشان این مطلب را چنین بیان می‌کنند: «کارهایی هست که این ویژگی‌ها را ندارد، مخالف با قالب‌هایی که شارع تعیین کرده نیست، انگیزه منفی هم ندارد

یعنی به خاطر دشمنی با دین و حق و اولیاء حق هم نیست. انگیزه‌اش هم از حد حیوانیت بالاتر است، فقط برای تأمین امور بدنی و مادی و شهوانی نیست، احیاناً انگیزه‌های عاطفی دارد، مثل ایثارهایی که مردم غیرمسلمان انجام می‌دهند، روی انگیزه عاطفی انسانی. سخاوت‌هایی که دارند و ... اینها مربوط به شکم و شهوت نیست. یک انگیزه فوق حیوانی دارد، ولی نه به خاطر خدا، چرا که ایمان به الله ندارد. سخاوت هم بر خلاف دستورات شرع نیست، با این شرائط، ارزش قریب به حد نصاب می‌تواند داشته باشد از جهت این که نفس را برای نزدیکی به آن کمال و بهره‌مندی از آن، آماده می‌کند. درست است که کمال ثابتی برای نفس ایجاد نمی‌کند اما نفس را مستعد و خیلی نزدیک می‌کند وارزشی قریب به حد نصاب دارد. بر این اساس است که عدالت یا شجاعت کسانی در اسلام مدح شده است و حتی روایاتی داریم که در قیامت خدا عذاب را از آنها برمی‌دارد. مثل حاتم طائی»¹⁸

¹⁷. مطهری، مجموعه آثار، ج 22، ص 547-548.

¹⁸. مصباح یزدی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص 342.

بر این اساس، نیکی‌هایی که بر انگیزه‌های انسانی و نه حیوانی استوارند، در مقایسه با اعمالی که صرفاً از روی منافع شخصی و خودخواهی انجام می‌شوند، از ارزش بالاتری برخوردارند. این دیدگاه، توضیح می‌دهد که چرا برخی اعمال نیک کفار، مورد توجه و حتی ستایش قرار گرفته‌اند.

همچنین، آیت‌الله مصباح بر این باورند که باید میان کفاری که از روی عناد و دشمنی با حقیقت کفر می‌ورزند و کسانی که به دلیل ناآگاهی و جهل در زمره کفار قرار گرفته‌اند، تفکیک قائل شد. کفاری که به دلیل قصور در شناخت حقیقت ایمان نیآورده‌اند، وضعیت متفاوتی از کسانی دارند که آگاهانه و از روی لجابت، حقیقت را انکار می‌کنند.

«قرآن نفرموده است بدترین مردم، بلکه فرموده است بدترین جنبندگان (که کنایه از حیوان‌هاست) نود خدا کسانی هستند که از روی عناد کفر می‌ورزند نه از روی جهل و قصور؛ زیرا حقیقت کفر همان انکار و عناد است و کفری که ناشی از جهل و بی‌خبری و از روی قصور باشد مورد عفو قرار می‌گیرد».¹⁹

از این منظر، اعمال نیک کفاری که از روی جهل و نه از روی عناد کفر ورزیده‌اند، می‌تواند ارزش متفاوتی داشته باشد. این افراد، در مسیر فطرت انسانی خود گام برمی‌دارند و به همین دلیل، ارزش اعمالشان را می‌توان در چارچوب نظریه قرب الهی توضیح داد.

آیت‌الله مصباح یزدی نظریه‌ای در باب قرب الهی مطرح می‌کند که بر اساس آن، تقرب به خداوند یک حقیقت تشکیکی و دارای مراتب مختلف است. این قرب، به معنای نزدیکی جسمانی یا مکانی نیست، بلکه رابطه‌ای²⁰ است که با شدت یافتن آگاهی و پیوند روحی با خداوند حاصل می‌شود. ایشان در این باره می‌گویند:

قرب یک امر تکوینی است و مراتب دارد؛ هرچند که کمال ثابتي برای نفس ایجاد نکند، اما نفس را مستعد و بسیار نزدیک می‌کند.²¹

بر این اساس، می‌توان گفت که کفاری که دارای نیت خیر و انگیزه‌های انسانی هستند و از روی عناد کفر نورزیده‌اند، اگرچه به بالاترین مراتب قرب الهی دست نمی‌یابند، اما به پایین‌ترین مراتب آن نزدیک شده‌اند. عمل نیک آن‌ها، به‌عنوان یک ارزش مقدماتی، می‌تواند زمینه‌ساز نزدیکی بیشتر به حقیقت و آمادگی برای هدایت شود.

نتیجه‌گیری: انسجام این دیدگاه در چارچوب اخلاق اسلامی

¹⁹. مصباح یزدی، چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی، ص 16.

²⁰. این قرب، خود یک رابطه تکوینی محسوب نمی‌شود، بلکه علم حضوری به آن رابطه تکوینی است که میان خالق و مخلوق برقرار است. رابطه تکوینی در حقیقت همان قرب فلسفی است که نه تنها انسان، بلکه تمامی موجودات از آن بهره‌مندند، زیرا همگی در هستی خود وابسته به خداوند بوده و عین‌الربط به او هستند.

²¹. مصباح یزدی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص 348-350.

با توجه به موارد ذکرشده، روشن می‌شود که نیازی به تفکیک میان علم اخلاق و علم تربیت اخلاقی برای تبیین ارزش اعمال نیک کفار وجود ندارد. این اعمال را می‌توان بر اساس گرایش فطری به خیر، حسن نیت انسانی، تفاوت میان کفار معاند و غیرمعاند، و مراتب قرب الهی تبیین کرد. در نتیجه:

- انجام اعمال نیک توسط برخی کفار، پاسخی ناخودآگاه به ندای فطرت است.
- نیت انسانی و غیرحیوانی در این اعمال، آن‌ها را از بی‌ارزشی مطلق خارج می‌کند.
- عدم عناد، شرایطی را فراهم می‌کند که عمل نیک، زمینه‌ساز تقرب باشد.
- نظریه قرب تشکیکی آیت‌الله مصباح، این امکان را فراهم می‌کند که این اعمال را در نسبت با پایین‌ترین مراتب قرب الهی تحلیل کنیم. با توجه به اینکه قرب، مفهومی اضافی است و در معنای مورد نظر آیت‌الله مصباح، ملازم با ورود به بهشت در نظر گرفته می‌شود، می‌توان افعال کفار را نیز در مقایسه با این نوع قرب سنجید و جایگاه آن‌ها را در این چارچوب بررسی کرد.

توجیه دوم: نتیجه طبیعی عمل نیک

یکی دیگر از تبیین‌های ممکن درباره ارزش اعمال نیک کفار، در چارچوب رابطه علی و تکوینی میان عمل و نتیجه آن قرار می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه، هر عمل نیکی، صرف‌نظر از نیت فاعل، به‌صورت طبیعی و تکوینی پیامدهای خاص خود را دارد. این نتیجه، برخاسته از عدالت الهی، اصل عدم تضییع اعمال نیک، و تأثیر حقیقی افعال بر سرنوشت انسان است.

۱. عدالت الهی و عدم تضییع عمل نیک

یکی از اصول محوری در نظام اخلاقی و الهی، عدالت خداوند است. بر اساس این اصل، هیچ عملی بدون پاداش یا مجازات نمی‌ماند. قرآن کریم به‌صراحت بیان می‌کند که خداوند، حتی کوچک‌ترین اعمال انسان را مورد توجه قرار می‌دهد:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا»^{۲۲}

از منظر آیت‌الله مصباح نیز، اصل عدالت ایجاب می‌کند که هر عمل نیکی، حتی اگر از سوی کافر صادر شود، اثر خود را داشته باشد. این اثر، ممکن است در قالب رفع یا تخفیف عذاب و یا ایجاد آمادگی برای پذیرش حقیقت باشد. ایشان در این باره می‌نویسند:

اعمالی که در دنیا انجام می‌دهیم، خود این‌ها در آخرت صورت دیگری دارد... اعمال نیک و بد، علت پیدایش ثواب و عقاب است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان آن‌ها را خود اعمال تلقی کرد.^{۲۳}

^{۲۲} . نساء، ۴۰ «خداوند (حتی) به اندازه سنگینی ذره‌ای ستم نمی‌کند؛ و اگر کار نیکی باشد، آن را دو چندان می‌سازد؛ و از نزد خود، پاداش عظیمی (در برابر آن) می‌دهد»

بنابراین، انجام عمل نیک، حتی از سوی فردی که ایمان ندارد، به دلیل عدالت الهی بی‌اثر نمی‌ماند، بلکه در نظام تکوینی، آثار خاص خود را بر جای می‌گذارد.

۲. رابطه علی میان عمل و نتیجه آن

از دیدگاه آیت‌الله مصباح، میان افعال انسان و نتایج آن‌ها در نظام هستی، رابطه‌ای واقعی و تکوینی برقرار است. این رابطه، صرفاً یک قرارداد اعتباری یا پاداش قراردادی نیست، بلکه هر عملی، در عالم هستی، اثری واقعی دارد که متناسب با ماهیت آن است. ایشان در این باره توضیح می‌دهند:

در واقع، بین فعلی که از انسان سر می‌زند و نتیجه آن فعل، یک رابطه طبیعی تولیدی وجود دارد... پس در واقع، این «باید» که یک مفهوم اعتباری است، از آن رابطه طبیعی میان فعل و نتیجه‌اش برمی‌خیزد و متکی بر آن خواهد بود.^{۲۴}

بر این اساس، عمل نیک، بدون توجه به فاعل آن، ذاتاً دارای اثر مثبت است. این اثر ممکن است در ساخته شدن شخصیت فرد، آمادگی برای پذیرش حقیقت، و یا تأثیر در نظام اخروی ظاهر شود.

۳. نیت خیر و عدم عناد: شرط اثرگذاری عمل نیک

همان‌طور که در توجیه نخست بیان شد، آیت‌الله مصباح میان کفاری که از روی جهل و ناآگاهی ایمان نیاورده‌اند و کفاری که از روی عناد و لجاجت کفر ورزیده‌اند، تفاوت قائل می‌شوند. اگر نیت فرد از انجام عمل نیک، یک نیت انسانی و نه حیوانی باشد، و در عین حال، فرد با حقیقت دشمنی نداشته باشد، این عمل می‌تواند اثر مثبت خود را بر جای بگذارد. ایشان در این باره می‌فرمایند:

اینکه انسانی که به ایمان نرسیده است، اما کار نیک انجام می‌دهد، اگر انگیزه‌اش حیوانی نباشد و از روی لجاجت و عناد هم نباشد، چنین عملی ارزش مقدماتی دارد و می‌تواند فرد را برای پذیرش حقیقت آماده کند.^{۲۵}

بر این اساس، اگر فردی نیت خیر داشته باشد، اما هنوز حقیقت را درک نکرده باشد، عمل او از سوی خداوند بی‌پاسخ نخواهد ماند. این مسئله، مطابق با اصل عدالت الهی است که هیچ عمل نیکی را کاملاً ضایع نمی‌کند.

۴. نتیجه طبیعی عمل نیک در نظام تکوینی

با توجه به مباحث قبل، روشن می‌شود که رابطه میان عمل نیک و آثار آن، یک رابطه واقعی و علی است. این رابطه، در دنیا و آخرت قابل مشاهده است:

^{۲۳}. مصباح یزدی، انسان‌شناسی در قرآن، ص 249-250.

^{۲۴}. مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج 3، ص 145.

^{۲۵}. مصباح یزدی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص 342.

- در دنیا: عمل نیک، باعث تقویت روحیه اخلاقی و آمادگی برای پذیرش حقیقت می‌شود.
- در آخرت: اعمال نیک، به صورت نتایج واقعی و محسوس ظاهر خواهند شد. آیت‌الله مصباح در این باره می‌گویند:

اعمالی که در دنیا انجام می‌دهیم، یک صورت اخروی دارد که آن صورت اخروی، نعمت‌های بهشتی است.^{۲۶}

۵. نتیجه‌گیری: انسجام این دیدگاه با نظام اخلاقی اسلامی

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که برای توضیح ارزش اعمال نیک کفار، نیازی به تفکیک میان علم اخلاق و علم تربیت اخلاقی نیست؛ بلکه این ارزش را می‌توان بر اساس عدالت الهی و اصل عدم تضییع اعمال نیک، رابطه علی میان عمل و نتیجه آن، نیت خیر و عدم عناد در فاعل، و ظهور نتایج عمل در نظام تکوینی دنیا و آخرت تبیین کرد.

توجیه سه: ارزش اخلاقی مطلق

بر اساس این دیدگاه، آیت‌الله مصباح در صدد تفکیک میان دو سطح از ارزش است:

- ارزش اخلاقی مطلق که متوقف بر حسن فاعلی و در گرو ایمان به خدا و قیامت است.
- ارزش مقدماتی یا نسبی که اگرچه به کمال اخلاقی منتهی نمی‌شود، اما در مقایسه با اعمال ناپسند، امری مطلوب محسوب می‌شود.

بر این اساس، وقتی آیت‌الله مصباح سخاوت کفار را دارای ارزش می‌داند، این ارزش از سنخ ارزش‌های مقدماتی است که موجب کاهش پیامدهای منفی اعمال و حتی تخفیف عذاب می‌شود، اما در نظام اخلاقی مطلوب، فاقد ارزش نهایی است. در نتیجه، نیازی به تفکیک میان اخلاق و تربیت اخلاقی برای تبیین این مسئله وجود ندارد، بلکه می‌توان آن را در چارچوب ارزش‌های مقدماتی در اخلاق تحلیل کرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به نقدهای مطرح‌شده درباره مقاله «تفسیری درباره تمایز حد نصاب اخلاق و تربیت اخلاقی از منظر آیت‌الله مصباح»، می‌توان دریافت که هرچند این مقاله در تحلیل تمایز میان «علم اخلاق» و «علم تربیت اخلاقی» نوآوری‌هایی داشته و تلاش کرده است با استناد به آثار آیت‌الله مصباح این تفکیک را نشان دهد، اما شواهد ارائه‌شده در آن برای اثبات این نظریه کافی به نظر نمی‌رسد.

به نظر می‌رسد مطلب به نحو عکس فهمیده: **Commented [A7]:** شده است. نویسنده مقاله برای توضیح ارزش اعمال نیک کفار به تفکیک اخلاق و تربیت اخلاقی استناد نکرده است بلکه برعکس برای تفکیک علم اخلاق و تربیت اخلاقی به عدم ارزش اعمال نیک کفار استناد کرده است.

Commented [A8]: پاسخ به داور محترم: نکاتی به ابتدای یکی از متن‌ها اضافه شده است تا این مطلب صراحت بیشتری داشته باشد و رفع ابهام شود. از طرفی از جای جای مقاله نویسنده حرف بنده برداشت هست اما نظر شما را به برخی از متن‌هایی از نویسنده مقاله (احمدی) جلب می‌کنم برای اثبات مطلب: ****** با توجه به دو نکته فوق حد نصاب اخلاقی شرط لازم برای وصول به هدف نهایی دانسته شد. باید توجه داشت نداشتن حد نصاب اخلاقی به معنای نداشتن مطلق ارزش نیست؛ لذا برخی روایات، حاکی از این است که ممکن است برخی کفار صفاتی مانند سخاوت را دارا باشند که در تخفیف عذاب آنها مفید خواهد بود، لذا فعلشان بی ارزش نیست؛ چنان که درباره ارزش سخاوت حاتم طائی و اطعام بسیار عبدالله بن جعدان^۱ روایاتی نقل شده است اکنون پرسش این است که آیا حد نصاب اخلاقی غیر از آن چیزی است که آیت‌الله مصباح معتقد است یا اینکه ارزش رفتار سخاوتمندانه، کافر، ارزشی غیر از اخلاق دارد؟ (ص ۱۱۱)

****** با توجه به تفکیک علم اخلاق از علم تربیت اخلاقی است که آیت‌الله مصباح صفات و رفتار اختیاری را که از روی ایمان به خدا و قیامت سر نمی‌زنند اما دارای حسن فعلی و عدم قبح فاعلی است در عین حد نصاب اخلاقی نداشتن دارای ارزش میداند؛ زیرا حسن فعلی داشتن برای در مسیر وصول به حد نصاب اخلاقی بودن محسوب می‌شود اگر چه به دلیل حسن فاعلی نداشتن حد نصاب اخلاقی را ندارد، اما به دلیل در مسیر وصول به حد نصاب اخلاقی بودن دارای حد نصاب تربیت اخلاقی است و از جهت تربیت اخلاقی دارای ارزش مثبت است. (ص ۱۱۸)

****** ... چون کار مثبت تربیت اخلاقی از هر شخصی پذیرفته می‌شود و او را در مسیر وصول به قرب الهی قرار می‌دهد. لذا یکی از فواید تبیین تمایزهای اخلاق و تربیت اخلاقی این است که حسن فعلی رفتار غیرمؤمن را رد نمی‌کند، بلکه از جهت تربیتی مهم و وصول او به اخلاق را ممکن می‌داند. (ص ۱۲۰)

****** ... «سبب کمال فاعل اخلاقی می‌شود. اما اگر فاعل اخلاقی به نیت غیرتقرب و غیرشکر و ریا فعل حسنی را ایجاد کند، ارزش روحی فاعل مثبت است یا منفی؟ با توجه به اینکه حد حسن فعلی اخلاقی نیست، تنها از جهت حسن فاعلی بررسی می‌شود که نیت دارای درجات گوناگونی است. این گونه نیت‌ها اگرچه اثر سعادت ابدی را ندارند، اما آثاری چون متناسب شدن قلب انسان برای پذیرش حق را دارد. بنابراین، افزون بر اینکه هر نیتی از جمله نیت یادشده، برای افعال شاکله‌ای می‌سازد که در جسم مثالی بروز می‌کند و سبب تخفیف در عذاب دالمنی هم می‌شود، لذا آثار دنیوی و اخروی دارد. اما سعادت ابدی را در پی نخواهد داشت؛ لذا نتیجه مدنظر اخلاق که سعادت ابدی است حاصل نمی‌شود و از جهت تربیت اخلاقی، ارزش مثبت دارد. (ص ۱۲۲).

...

^{۲۶} مصباح‌یزدی، انسان‌شناسی در قرآن، ص ۲۴۹-۲۵۰.

یکی از مسائل قابل تأمل در مقاله، ابهام در تفکیک علم اخلاق و تربیت اخلاقی است. نویسنده، این تفکیک را با استناد به برخی آثار آیت‌الله مصباح مطرح کرده است، اما از آنجاکه در تعاریف مختلف ایشان، این دو حوزه گاه به صورت درهم تنیده بیان شده‌اند، استناد قطعی به این تفکیک نیاز به تحلیل و شواهد مستحکم‌تری دارد. علاوه بر این، برخی از شواهدی که برای تأیید این تمایز به کار رفته‌اند، از جمله تحلیل جملات اخلاقی و بررسی ارزش اعمال کفار، محل تأمل هستند و نمی‌توانند به تنهایی مبنای این تفکیک قرار گیرند.

همچنین، در تبیین ارزش‌های مقدمانی و نسبت آن‌ها با «حد نصاب اخلاقی»، مقاله به توضیح کافی نپرداخته و ارتباط این مفاهیم در چارچوب نظری آیت‌الله مصباح به طور دقیق روشن نشده است. بنابراین، اگرچه تفکیک میان علم اخلاق و تربیت اخلاقی ممکن است از منظر آیت‌الله مصباح قابل توجیه باشد، اما شواهد ارائه شده در این مقاله برای اثبات آن کافی به نظر نمی‌رسد.

نتیجه آن‌که، هر چند ممکن است تفکیک این دو علم در اندیشه آیت‌الله مصباح قابل طرح باشد، اما این امر نیازمند بررسی‌های بیشتری است و مستلزم شواهد و دلایل قوی‌تری است که بتوان آن را به عنوان یک نظریه قطعی به ایشان نسبت داد. بنابراین، مقاله مورد بررسی، در عین داشتن نکات مثبت، همچنان نیازمند بازنگری در شواهد و استدلال‌های خود برای تبیین دقیق این تمایز است.

منابع

احمدی، حسین. «تفسیری درباره تمایز حدنصاب اخلاق و تربیت اخلاقی از منظر آیت‌الله مصباح». جستارهایی در فلسفه و کلام، ش 1، (بهار و تابستان 1403): 108-123.

شریفی، احمدحسین. آیین زندگی (اخلاق کاربردی). قم: نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها دفتر نشر معارف، 1396.

مصباح یزدی، محمدتقی. انسان‌شناسی در قرآن. چاپ هفتم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1399.

مصباح یزدی، محمدتقی. فلسفه اخلاق. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ ششم، 1391.

مصباح یزدی، محمد تقی. اخلاق در قرآن. چاپ دهم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1398.

مصباح یزدی، محمدتقی. چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی. چاپ هفتم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1393.

لیثی واسطی، علی بن محمد. عیون الحکم و المواعظ. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، 1376.

مصباح یزدی، محمدتقی. نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. چاپ ششم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1398.

مصباح یزدی، محمدتقی. راه و راهنماشناسی. چاپ سوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1397.

مطهری، مرتضی. مجموعه آثار شهید مطهری، چاپ هفتم، قم: صدرا، 1384.

نسخه پیش انتشار